

Social Self-control among Junior University Students in Transition to Youth: A Contextual Theory

Shakila Moradi¹, Ali Ruhani^{2*}, Seyed Alireza Afshani³

1. M.A. Student in Social Research, Department of Social Sciences, Yazd University, Yazd, Iran; shakila929moradi@gmail.com
2. Associate Professor of Sociology, Department of Social Sciences, Yazd University, Yazd, Iran (Corresponding Author); aliruhani@yazd.ac.ir
3. Professor of Sociology, Department of Social Sciences, Yazd University, Yazd, Iran; afshanialireza@yazd.ac.ir

Original Article

Abstract

Background and Aim: Young individuals are recognized as the leading agents of societal change over the last several decades. With the onset of the COVID-19 pandemic, their lives have become increasingly intertwined with digital networks, leading to a growth in virtual communication. This shift has introduced a paradoxical aspect to their lives, where, despite being more connected, they have become more centered on self-orientation.

Methods and Data: To investigate this issue, the systematic grounded theory approach was employed. The sample consisted of Yazd University students in their junior year, aged between 18 and 19. Based on theoretical sensitivity of the research, in-depth interviews were carried out with 20 selected individuals through theoretical sampling.

Findings: The findings were in the form of 12 main categories, including problematic self-image, self-confidence challenges, communication context, self-control, passivity, problem solving, etc. These young people went through a trajectory characterized by the complexities and uncertainties of societal life. As a result, their chosen trajectories resulted in self-restraint even with extensive social relationships. A paradigmatic model and substantive theory have been developed from these categories.

Conclusion: Young adults stand at the forefront of the dynamics tension between agency and structure. They try to build their own spaces for interaction, take risks, and develop their own platforms and communication networks, despite the systematic limiting pressures. To a significant degree, they have been successful achievement in these efforts.

Keywords: Youth, Self-control, Virtual Communication, Junior students, Online Life Experiences, Yazd

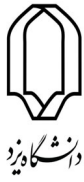
Key Message: Self-control in young people is to some degree, a product of their online life experiences. This situation is a paradoxical outcome of their life in a networked world, on one side, and the extent of its connections, on the other. Indeed, they have social self-restraint along with widespread communication.

Received: 14 February 2023

Accepted: 05 January 2024

Citation: Moradi, S., Ruhani, A., & Afshani, S. A. (2023). Social Self-control among Junior University Students in Transition to Youth: A Contextual Theory. *Journal of Social Continuity and Change*, 2(2), 267-285. <https://www.doi.org/10.22034/JSCC.2024.19711.1066>





خودمداری اجتماعی دانشجویان در گذار به جوانی: یک نظریه زمینه‌ای

شکیلا مرادی^۱، علی روحانی^۲، سیدعلیرضا افشانی^۳

- ۱- دانشجوی کارشناسی‌ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه یزد، یزد، ایران؛ shakila929moradi@gmail.com
۲- دانشیار جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه یزد، یزد، ایران (نویسنده مسئول)؛ aliruhani@yazd.ac.ir
۳- استاد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه یزد، یزد، ایران؛ afshanalireza@yazd.ac.ir

مقاله پژوهشی

چکیده

زمینه و هدف: جوانان سرآمدان تغییر در هر جامعه‌ای هستند. در این میان، جوانان دانشجویان از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. آنان در طی چند دهه اخیر، منادیان اصلی تغییر در جامعه بوده‌اند. در طی همه‌گیری کووید ۱۹ زندگی آنان هرچه بیشتر شبکه‌ای‌تر شد و ارتباطات آنان در عین رشد و گستردگی، مجازی‌تر شد. این وضعیت زندگی، آنان را دچار پارادوکس خاصی کرد که در عین شبکه‌ای‌بودن، خودمدارتر گشته بود.

روش و داده‌ها: گردآوری داده‌ها با استفاده روش نظریه زمینه‌ای انجام شد. در این مسیر، دانشجویان ۱۹-۱۸ ساله نورود به دانشگاه به عنوان جامعه هدف پژوهش حاضر انتخاب شدند. با توجه به حساسیت نظری پژوهش، مصاحبه‌هایی عمیق با ۲۰ نفر از آنان با استفاده از نمونه‌گیری نظری صورت پذیرفت.

یافته‌ها: یافته‌ها در قالب ۱۲ مقوله اصلی شامل پروبلماتیک چهره در بلوغ، پروبلماتیک اعتمادبه‌نفس، بسترهای ارتباطی، خودمداری، انفعال‌گرایی، حل مسأله و ... بود. جوانان پژوهش حاضر مسیری را طی می‌کنند که در آن پیچیدگی زندگی اجتماعی پررنگ است و ویژگی اصلی آن عدم تعیین است. به همین دلیل مسیرهای انتخابی آنان به خودمداری در عین ارتباطات گسترده ختم می‌شود. بر اساس این مقولات مدل پارادایمی و نظریه تجربی ارائه شد.

بحث و نتیجه‌گیری: نتایج تحقیق حاکی از آن است که جوان، در مرکز کشاکش پویایی‌های عاملیت و ساختار قرار دارد. جوانان سعی می‌کنند، علی‌رغم فشارهای محدودکننده سیستماتیک، فضاهای تعاملی خود را بسازند، ریسک کنند، بسترها و شبکه‌های ارتباطی خود را داشته باشند که تا حد زیادی در این امر موفق بوده‌اند.

واژگان کلیدی: جوانان، خودمداری، دانشجویان نورود، ارتباطات مجازی، دانشگاه یزد

پیام اصلی: خودمداری در جوانان تا حدی محصول زندگی شبکه‌ای آنان است. این وضعیت به‌طور متناقض‌نمایی از یک سو برآمده از زندگی شبکه‌ای و از سوی دیگر برآمده از گستردگی ارتباطات آن است. درواقع، آنها همراه با ارتباطات گسترده، دچار خودمداری اجتماعی هستند.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۲۵

ارجاع: مرادی، شکیلا؛ روحانی، علی و افشانی، سیدعلیرضا (۱۴۰۲). خودمداری اجتماعی دانشجویان در گذار به جوانی: یک نظریه زمینه‌ای، *تداوم و تغییر اجتماعی*، ۲(۲)، ۲۶۷-۲۸۵. <https://www.doi.org/10.22034/JSCC.2024.19711.1066>



مقدمه و بیان مسأله

تغییر، تنها نیروی پایدار در جهان است (پیران، ۱۳۸۳؛ گیدنز، ۱۴۰۰). سرعت تغییرات در جهان رشد تصاعدی داشته و در این بین، سرعت تغییرات اجتماعی و فرهنگی هر روزه در حال گسترش بوده و چندین برابر می‌شود. می‌توان گفت عامل مؤثر بر این تغییرات، پیشرفت و توسعه تکنولوژی‌های ارتباطی و اطلاعاتی بوده‌است (کاستلز، ۱۳۸۰). این توسعه فناوری، باعث تغییر در بسیاری از حوزه‌های رفتاری و اجتماعی افراد شده‌است به گونه‌ای که مهم‌ترین ویژگی جهان مدرن، سرعت تغییرات اجتماعی قلمداد شده است (گیدنز، ۱۴۰۰).

قدرت و سرعت اثر نوگرایی در دهه‌های اخیر نسبت به دهه‌های گذشته افزایش چشم‌گیری داشته است. در همین راستا، گیدنز مطرح می‌کند جهان به نحوی دچار نوگرایی متأخر شده است. با گسترش فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی همچون، اینترنت، ماهواره و همچنین گسترش شبکه‌های ارتباطی در جهان همانند پلتفرم‌های مجازی، فرهنگ جدیدی در جهان گسترش پیدا کرده است. می‌توان گفت که رسانه‌های جهانی منجر به تمایز در میان مردم شده و یا تمایزهای گوناگون در میان آنان را تقویت و برجسته می‌کنند. بدان معنا که ارزش‌های افراد به مراتب بیشتر از گذشته در معرض تغییر قرار می‌گیرند؛ چراکه با توجه به امکانات و فرصت‌های عمده‌ای که جهان اجتماعی جدید در اختیار افراد قرار می‌دهد آنان را قادر می‌سازد که هر لحظه در رابطه با مبانی فرهنگی، ارزشی و هویتی خود بازاندیشی نمایند (Prevos, 2004).

این فرآیند بازاندیشی، در قلب فرآیند جهانی‌شدن قرار دارد و خود منجر به گسترش و رشد تغییرات اجتماعی در جهان می‌شود. در حال حاضر، افراد در محیط خانه و خانواده امکانات ارتباطی و اطلاعاتی نظیر تلویزیون، ماهواره، کامپیوتر و گوشی‌های همراه دارند و تکنولوژی، چهره خانواده‌ها را دگرگون کرده است. با ورود تکنولوژی و قدم‌نهادن در دنیای مدرن، فرهنگ نیز در جریان تغییر و بازتغییر قرار می‌گیرد و عناصری از آن دگرگون می‌شود. بسیاری از سنت‌ها تغییر می‌کنند و این تغییرات ساخت سنتی خانواده‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و همه افراد خواه ناخواه با آن درگیر می‌شوند. اگرچه خانواده‌ها سعی می‌کنند در برابر این تغییرات ایستادگی داشته باشند و در بعضی موارد، سنت‌ها بر جای خود باقی می‌مانند و در نبرد با تکنولوژی توفیق می‌یابند، اما به هر حال، تغییر اجتناب‌ناپذیر است. تحت تأثیر این فرآیند، روابط اجتماعی و مناسبات هم دگرگون می‌شود. اگرچه هنوز نمی‌توان گفت که سنت‌ها کمرنگ شده‌اند؛ اما به جرأت می‌توان گفت فرصت‌های زندگی با بسیاری از این پدیده‌های اجتماعی در هم آمیخته شده و نمی‌توان تأثیر آنان را انکار کرد. به‌طور کلی، اثربخشی گروه‌های نخستین در روند جامعه‌پذیری هرچند به‌طور سنتی زیاد بوده است اما امروزه اثربخشی این گروه‌ها تحت تأثیر رقبای قدرتمندی همچون پلتفرم‌های مجازی کمتر شده است (حسینی‌فتح‌آبادی و همکاران، ۱۴۰۱، مرادی و روحانی، ۱۴۰۱).

در واقع، خانواده به عنوان اولین مکانی که فرد با آن مواجه است و در آن متولد می‌شود، در وهله اول مکانی برای جامعه‌پذیری، بستری برای رشد عاطفی، محلی برای یادگیری آداب و رسوم و به‌طور کلی، شکل‌گیری هویت افراد است. همچنین، خانواده احساس امنیتی را برای افراد مهیا می‌کند که افراد در فضای امن ایجاد شده نسل به نسل همین نهاد را بازتولید می‌کنند. نهاد خانواده در این مسیر تحولات گوناگون فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی را تجربه نموده است (خواجه‌نوری و همکاران، ۱۳۹۱؛ موحد و عنایت، ۱۳۸۳).

جهانی‌شدن فرصت‌های زیادی از جمله طولانی‌شدن دوره جوانی، رواج شیوه‌های جدید رفتار اجتماعی، فردی‌شدن و اهمیت یافتن سیاست زندگی را در اختیار جوانان قرار داده‌است. در واقع، تحولات فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی علاوه بر تأثیر بر ذوق، سلیقه و نیاز ارتباطی افراد، گذراندن اوقات فراغت، نگرش به خود و جامعه، هویت اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آنان را نیز تحت تأثیر قرار داده است. چنانچه دو فرآیند رسانه‌ای‌شدن و خانگی‌شدن، توصیف‌کننده گذران بخش عمده‌ای از فراغت افراد و به ویژه جوانان در جوامع مدرن

است. جوانان فراغت خود را بیش از پیش در خلوت سپری می‌کنند و برای سرگرم شدن به‌طور فزاینده‌ای به رسانه‌های جدید متکی هستند و از اجتماع و جامعه خود به نحوی دور هستند (احمدی و همکاران، ۱۳۸۹؛ ذکایی، ۱۳۸۳). به‌طور کلی در چنین فضایی، جهانی‌شدن و رسانه‌های ارتباطی، موجب تغییر در منابع هویتی و هویت‌گزینی افراد شده است (احمدی و همکاران، ۱۳۹۰؛ خواجه‌نوری و همکاران، ۱۳۹۰).

بنابراین بر اساس توصیفات ارائه شده، به‌طور کلی می‌توان گفت فرآیند جهانی‌شدن، گسترش رسانه‌های ارتباطی و اطلاعاتی، جنبش‌های اجتماعی و جنبش‌های حقوق مدنی به‌ویژه فمینیسم، شهرنشینی و... منجر به تغییر ارزش‌های سنتی افراد گشته و ارزش‌های مدرنی را برای آنان به ارمغان آورده است که در تقابل با ارزش‌های سنتی و قدیمی قرار دارند و منجر به تنش و اختلاف بین‌نسلی می‌شوند. به‌طور کلی، سیر حرکت از سنت به سوی نوگرایی چنان سریع و چشمگیر است که موجب درگیری و تنش ارزشی بین نسل‌های متفاوت می‌شود. می‌توان چنین گفت که اگر سیر تغییر و گذار از سنت به مدرنیته بدون ملایمت و با شتاب صورت گیرد می‌تواند موجب اختلال در ارزش و به دنبال آن فروپاشی جامعه شود. «در گذار تغییر اجتماعی، همین که جوامع از یک پایه همبستگی اجتماعی عبور می‌نمایند، ناهنجاری و انفصال فرد از جامعه به‌خصوص اگر این انفصال سریع باشد، این عدم تنظیم و کنترل و انفصال نه تنها موجب نرخ بالای کجروی است، بلکه موجب مشکلات متعدد در تثبیت نظم اجتماعی است» (Turner, 2003: 348-349).

چنان‌چه بیان شد، تغییرات عظیمی که در جهت‌گیری ارزشی افراد رخ داده متأثر از جهانی‌شدن، رسانه‌های ارتباطی و اطلاعاتی و ... است و کشور ایران نیز مستثنی از این تغییرات عظیم نبوده و سیستم معنایی-ارزشی بسیاری از افراد نسبت به نسل پیشین خود تغییر قابل ملاحظه‌ای داشته است (کوششی و قربانی، ۱۳۹۱). با این وجود، گذار سنت به مدرنیته باعث تغییر نگرش افراد به روابط و تعاملات اجتماعی شده و ارتباطات افراد گاهی محدود به ارتباطات مجازی شده‌است. این وضعیت در بین جوانانی که در طی سه سال گذشته زندگی مجازی‌تری (به واسطه پاندمی کووید-۱۹) داشته‌اند پررنگ‌تر شده، و زندگی آنان را در یک تناقض‌نمای همگرایی در عین خودمداری قرار داده است. آنان در شبکه‌های مجازی همدیگر را می‌یابند اما به همان میزان رفتارهای خودمدارانه‌ای از خود نشان می‌دهند.

در این میان، دانشگاه، به عنوان نهادی مدرن در جامعه ایران نقش پررنگی بازی می‌کند. در واقع، ساختار حاکم بر دانشگاه و روابط شکل گرفته در آن با مختصات مدرسه متفاوت است و دانشجویان در آن از آزادی عمل بیشتر، استقلال بالاتر، کنترل‌شدگی کمتر و ... برخوردارند. در واقع، فردیت و ساختار هویتی فرد تا حد زیادی در دانشگاه شکل می‌یابد و همین امر دانشگاه و حضور در آن را برای جوان ایرانی بسیار مسأله‌مند می‌کند. به‌ویژه این که در دانشگاه ساختار ارتباطی دانشجویان تغییر ماهوی می‌یابد و از قدرت کنترل رسمی و غیررسمی کاسته می‌شود. همه این تغییرات می‌تواند پویایی‌های شکل‌گیری نظام هویتی دانشجویان را تغییر دهد. در این میان، بروز کووید-۱۹ و زندگی مجازی ارتباطات نوجوانان را بسیار متفاوت‌تر کرده است و جوانان دانشجوی نوورود به دانشگاه را متفاوت‌تر از پیشینیان خود کرده است. به‌همین خاطر، مطالعه حاضر سعی نموده است این وضعیت را به‌صورت علمی در میان آن دسته از جوانانی که تازه وارد دوره جوانی شده‌اند و همچنین دانشجوی سال اول بودند، مطالعه کند. برای مفهوم‌پردازی این گروه از جوانان آنان را جوانان آستانه‌ای می‌نامیم. چون هم در آستانه جوانی بوده‌اند و هم در آستانه ورود به دانشگاه بعد از پاندمی کووید-۱۹ بوده‌اند.

چارچوب مفهومی

پژوهش حاضر برای حصول به حساسیت نظری به مرور پیشینه‌های تجربی و نظریه‌های اجتماعی در رابطه با نوجوانان و مسأله ارتباطات و خودمداری پرداخته است و سعی شد در ادامه حساسیت نظری بر اساس آن تنظیم شود. البته شایان ذکر است در این زمینه، چه در رابطه با گروه مورد بررسی و چه در رابطه با مسأله پژوهش، پژوهش‌چندانی صورت نگرفته است.

بر حسب پژوهش قلی‌زاده (۱۳۹۸)، آسیب‌های نوپدید، از پیامدهای ظهور و توسعه شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی هستند و عناصری از جمله، آموزشی، خانوادگی، فردی، اجتماعی و سیاسی در بروز این نوع پدیده‌ها نقش دارند. فولادیان و رضایی بحرآباد (۱۳۹۷) دریافتند که خودمداری در تاریخ ایران وجود داشته است و امروزه نیز ادامه‌دار است. به نظر آنان، غالب جمعیت تهران دچار خودمداری هستند و سه متغیر تقدیرگرایی، بیگانگی اجتماعی و احساس بی‌قدرتی بیشترین واریانس خودمداری را تبیین می‌کنند. نصرتی‌نژاد (۱۳۹۶) در پژوهش خود به این نتیجه دست یافت که به دلیل نمود شکل خاصی از مدرنیسم در ایران، نوعی عقلانیت متشکل از عقلانیت ابزاری و فردگرایی مدرن شکل گرفته که با خودمداری تاریخی و تفرّد ایرانی عجین شده و نوعی عقلانیت سیاه به وجود آورده است که خودمدار، خودشیفته، همه‌چیزخواه، رقابت‌جو و کاسب‌کار، به شدت حسابگر و نفع‌طلب، نسبت به پیامدهای اجتماعی کنش خود بی‌توجه و به غایت هدفگراست.

از نتایج پژوهش طاهری و القونه (۱۳۹۶) می‌توان دریافت که بین فردگرایی خودخواهانه (خودمداری) و دینداری، رابطه معنادار معکوس و بین خودمداری و سن، رابطه معنادار مثبت برقرار است. محمدی و توکلی (۱۳۹۴) به این نتیجه رسیدند که انقلاب اسلامی ایران منجر شده است که نظام ارزشی مردم ایران تغییر کند و از ارزش‌های خودمدارانه و فردگرایانه به سوی ارزش‌های جمع‌گرایانه حرکت کند. نتایج پژوهش معیدفر و صبوحی خسروشاهی (۱۳۸۹) حاکی از آن است که میزان فردگرایی در بین فرزندان در حد متوسط است. مهم‌ترین نتایج طالبان و همکاران (۱۳۸۹) به شرح زیر است: (۱) میزان اهمیت ارزش‌های مادی برای جامعه ایران از دهه پنجاه تا دهه سوم انقلاب افزایش داشته است؛ (۲) نسبت اهمیت بیشتر شاخص‌های ارزش‌های معنوی از دهه پنجاه تا دهه سوم انقلاب کاهش یافته است؛ و (۳) میزان اهمیت ارزش‌های مادی و معنوی برای گروه سنی پنجاه به بالا (جوانان قبل از انقلاب) بیشتر از گروه سنی جوانان امروزی است.

طبق نتایج تحقیقات گودرزی (۱۳۸۹) می‌توان گفت که سنخ ارزشی پاسخگویان از فرامادی به مادی تغییر کرده است. شهبابی و ربانی (۱۳۸۸) به این نتیجه دست یافتند که رضایت از زندگی، سطح تحصیلات، شرایط اقلیمی و استفاده از رسانه‌های جمعی عواملی هستند که به‌طور مستقیم و سن، جنسیت، وضعیت تأهل، وضعیت اقتصادی، ارتباط با مراکز شهری و قابلیت دسترسی به روستا به‌طور غیرمستقیم بر ارزش‌های اجتماعی مؤثر هستند. نتایج تحقیق تتوکاریز^۱ (۲۰۱۱) نشان می‌دهد که رابطه مثبت و معنی‌داری بین میزان استفاده از اینترنت و ارزش‌های فرامادی وجود دارد. هان‌یین‌چانگ^۲ (۲۰۱۰) بررسی می‌کند که والدین نسبت به جوانان دارای ارزش‌های مادی‌تری هستند و در مقابل فرزندان دارای ارزش‌های اخلاقی و فرامادی بیشتری نسبت به والدین‌شان هستند.

از نتایج بسلی^۳ (۲۰۰۸) می‌توان دریافت که تماشای تلویزیون ارزش‌های سنتی را تقویت می‌کند و موجب حفظ ساختارهای موجود و ارزش‌های محافظه‌کارانه شده و از طرفی دیگر، استفاده از اینترنت موجب بروز ارزش‌های آزادی‌خواهانه در افراد می‌شود. یافته‌های

1. Theocharis

2. Han-Yin Chang

3. Besley

گیاکالون و جورکیویچ^۱ (۲۰۰۴) نشان‌دهنده این واقعیت است که مقیاس تعاملی ارزش‌های مادی و فرامادی نسبت به مقیاس ارزش‌های مادی یا فرامادی صرف، پیش‌بینی قوی‌تری از هویت اجتماعی و شخصی افراد ارائه می‌دهند. فرانسیس و همکاران^۲ (۲۰۰۲) در نتایج تحقیق خود دریافتند که ارزش‌های مختلط (مادی و فرامادی) در رأس جهت‌گیری ارزش‌های افراد بوده است. ارزش‌های مادی و سپس ارزش‌های فرامادی در رتبه‌های بعدی جهت‌گیری ارزشی قرار داشته‌اند.

مک لوهان (۲۰۰۱) معتقد است در پرتو وسایل ارتباطی الکترونیک، چهره کار و زندگی اجتماعی دگرگون می‌شود. جوامع و ملت‌ها به هم نزدیک می‌شوند و در نهایت، دهکده‌ای به پهنای کره زمین پدید می‌آید. مک لوهان در تحولات آینده زندگی بشری، برای وسایل الکترونیکی در زمینه‌های مختلف صنعتی، آموزشی و فرهنگی نقش تعیین‌کننده‌ای قائل است (به نقل از آدین و پیرمحمدی، ۱۳۸۷).

مک لوهان (۲۰۰۱) براساس نظریه «تغییر در فرآیند جامعه‌پذیری»، معتقد است زمانی که ما فناوری جدیدی را وارد جامعه‌ای می‌کنیم، آن جامعه را برای همیشه عوض کرده‌ایم و جوانان به دلیل نوگرایی و آمادگی برای پذیرش تازگی‌ها، بیشتر از افراد مسن که افکار و عقایدشان شکل گرفته است، از این تغییرات تأثیر می‌گیرند؛ یعنی جذب تغییراتی چون نحوه ارتباطات، مد، سیاست و الگوپذیری غیرفرهنگی خود «نابهنجار» می‌شود؛ به طوری که این الگوپذیری که مغایر با ارزش‌ها و هنجارها و به طور کلی فرهنگ جامعه خودشان است، موجب ایجاد بحران هویت در آنان و سبب بروز شکاف بین نسل‌ها می‌شود. مطابق این رویکرد، تحولات سریع فناورانه در حوزه اطلاعات و ارتباطات و دسترسی گسترده نسل جوان به رسانه‌هایی مانند ماهواره و اینترنت، آنان را در موقعیت متفاوتی با نسل پیشین قرار داده است. سرعت این تحولات، بر زندگی، رشد و بلوغ جوان تأثیر گذاشته و روند جامعه‌پذیری را کاملاً دگرگون کرده است. اگر در گذشته روند جامعه‌پذیری عمدتاً به وسیله خانواده، مدرسه و نهادهایی انجام می‌شد که عناصری از نسل پیشین همچون پدر، مادر، معلم، واعظ و معتمد در این انتقال فرهنگی نقش ایفا می‌کردند، دسترسی گسترده به امکانات جدید فناورانه، نسل جدید را در جریان تحولات تازه‌ای قرار داده است؛ بدین ترتیب، با تغییر مبانی ورود گزاره‌های ارزشی، نظام ارزشی این نسل نیز متفاوت از نسل پیشین شده است (آزادی‌نژاد، ۱۳۹۲).

ویلیام جیمز^۳ (۱۹۲۰) معتقد است که افراد خود را به عنوان اشیایی در موقعیت‌های تجربی تشخیص می‌دهند، و از این فرآیند با نام خود تجربی یا من مفعولی یاد می‌کند. جیمز معتقد است که خود تجربی دارای سه جنبه (۱) خود مادی؛ (۲) خود اجتماعی؛ و (۳) خود روحانی است. از جانب دیگر می‌توان گفت هر جنبه از خود دارای دو بعد شامل، جستجوی خود و احساسات خود است (Turner, 2003). جیمز معتقد است که در ورای همه این خودها، افراد دارای یک خود اصیل یا هویت شخصی می‌شوند که در واقع، حس یگانگی‌ای است که باعث می‌شود افراد هویت‌های مستقلی داشته باشند. آنان هویت‌های تجربی مختلف را اخذ می‌کنند و سپس آنان را در خود تداوم و ثبات می‌بخشند که همین موجب تشکیل هویت شخصی و اصیل هر فرد می‌شود (ترنر، ۱۳۸۴).

1. Giacalone & Jurkiewicz

2. Francis et al.

3. William James

چارلز هورتون کولی (۲۰۱۸)^۱ با نفی سنت دکارتی میان شناسای اندیشنده و جهان خارجی چنان استدلال می‌کرد که خود، از رهگذر تبادل او با دیگران رشد پیدا می‌کند. نظریه خود آینه‌سان کولی، در واقع نشان‌دهنده رابطه دیالکتیکی جامعه و فرد در شکل یافتن شخصیت و هویت هر فردی است. بدین معنا که انسان‌ها هویت‌شان در ارتباط با دیگران ساخته و شکل می‌یابد (کوزر، ۱۳۸۳؛ آزادارمکی، ۱۳۸۳؛ توسلی، ۱۳۸۴).

جرج هربرت مید (۲۰۱۵)^۲ نیز معتقد بر این است که خود در رابطه با اجتماع ساخت می‌یابد؛ بدان معنا که جدا از جامعه هیچگونه خود، خودآگاهی و ارتباطی نمی‌توان متصور شد. مید بر همین اساس معتقد است که خود و هویت، اجتماعی است (کوزر، ۱۳۸۳؛ کوزر و روزنبرگ، ۱۳۸۴؛ ترنر، ۱۳۸۵).

تاجفل (۱۹۸۲) «نظریه هویت اجتماعی» را مطرح می‌کند. به نظر او، آن بخش از هویت‌ها که نشأت گرفته از گروهی است که به آن تعلق داریم (درون‌گروه)، به‌وسیله مقایسه و ترجیح افراد گروه خودی نسبت به کسانی که در خارج از گروه هستند (برون‌گروه) شکل می‌گیرد.

استرایکر^۳ (۲۰۰۰) در نظریه هویت عاطفه خود نیز بر روی میزان اعتماد به نفس افراد تأکید می‌کند. وی معتقد است عواطف و احساسات در جنبه‌های مختلفی وارد فرآیند هویتی فرد می‌شوند. به باور استرایکر همچنان که ذکر گردید، افراد هویت‌های خود را از دیدگاه دیگران مورد ارزیابی قرار می‌دهند، در نتیجه، در نظر استرایکر، احساسات فرد به او می‌گویند که آیا عملکرد هویتی‌شان مورد تأیید بوده است یا خیر؟ به‌طور کلی، استرایکر معتقد است که احساسات درک شده افراد نشانه اصلی‌ای برای شناسایی و ترتیب‌بندی سلسله مراتب هویت‌ها در فرد به شمار می‌آید (Turner, 2003; Stets, 2005; Turner & Stetsus, 2005).

گیدنز (۱۳۷۸) هویت را در پهنه جهانی‌شدن مورد بررسی قرار می‌دهد. به باور گیدنز با ورود به دوره مدرنیته متأخر و گسترش روز افزون تکنولوژی‌های ارتباطی و اطلاعاتی، نفوذ و تأثیر سنت روزبه‌روز کاسته شده است. بدین جهت امکان انتخاب آگاهانه، تنوع انتخاب و به‌طور کلی انتخاب سبک خاص زندگی برای افراد مهیا و فراهم می‌شود. به دلیل همین پویایی در جوامع امروزی، تعریفی که گیدنز از هویت ارائه می‌کند کاملاً سیال و همواره در حال تغییر است.

اریکسون^۴ به عنوان تأثیرگذارترین نظریه‌پرداز در زمینه تشکیل هویت شناخته می‌شود (Cote & Levin, 1988). در نزد وی هویت به عنوان دستاورد مهم مرحله نوجوانی فرد مطرح می‌شود و تشکیل هویت برای هر فردی در واقع پاسخ به این سؤال است که چه کسی هستید، برای چه چیزی ارزش قائلید و چه مسیری را در زندگی می‌خواهید طی کنید؟ اریکسون در واقع در نظریه خود که به «هویت خود» مشهور است، از هشت مرحله یاد می‌کند که هویت فرد طی آن ساخته می‌شود (Kroger & Marcia, 2011).

مارکوس و کیتایاما^۵ (۱۹۹۷؛ همچنین Kitayama 2007) هویت را در قالب نظام «خود» می‌بینند. آنان «خود» را در قالب خود مستقل و خود وابسته طبقه‌بندی نموده‌اند. این نظریه خود مستقل را یک نظام شناختی انگیزشی یکتا و خاص محسوب می‌کند که به دنبال ایجاد تمایز از دیگران است، در حالی که خود همبسته، بر اساس این دیدگاه، به کاربستی از خود اطلاق می‌شود که اساس آن

1. Charles Horton Cooley

2. George Herbert Mead

3. Stryker

4. Erikson

5. Markus, H. R & Kitayama, S.

ارتباطات اجتماعی است. در اینجا ارتباطات مستقیم و رودررو مبنای تعریف از خود قرار می‌گیرند، یعنی دیگران مبنای تعریف از خود هستند. البته این دیدگاه بین خود همبسته و هویت اجتماعی تفاوت قایل است، زیرا این نظریه بر ارتباط و کنش متقابل رودررو تأکید می‌کند.

پژوهش‌هایی در رابطه با خودمداری در ایران صورت گرفته است. غالب آنان سعی کرده‌اند آن را در تمایز با فردگرایی تشخیص دهند. در این پژوهش‌ها خودمداری در ارتباط با دینداری، بیگانگی سیاسی و ... قرار گرفته بود. همچنین در مباحث نظری نیز تأکید گسترده‌ای بر شکل‌گیری خود، هویت، جامعه ارتباطی و ... شد. به همین خاطر در طراحی حساسیت نظری پژوهش ما سعی کردیم بر مفاهیم مرتبط با آنان تأکید کنیم و در طراحی پروتکل مصاحبه از آن استفاده کنیم. برای مثال، تأکید کاملی بر بسترهای ارتباطی که جوانان دارند کردیم و در پروتکل مصاحبه سراغ رفتارهای ارتباطی جوانان رفتیم، از رفتارهای پرریسک تا رفتارهای شبکه‌ای آنان. از سوی دیگر، چون مسأله ما شکل‌گیری هویت نیز بود به سراغ چهره، وضعیت روحی و روانی آنان و ... نیز رفتیم تا از آنان نیز سؤال کنیم. به این ترتیب، پروتکل مصاحبه را در این محورها گسترش دادیم.

روش و داده‌ها

پژوهش حاضر بر اساس روش‌شناسی کیفی و رویکرد نظریه زمینه‌ای (شیوه سیستماتیک)، انجام شده است. در این روش، گردآوری داده‌ها، تحلیل و نظریه نهایی با یکدیگر در ارتباط تنگاتنگ‌اند و در این روش پژوهشگر کار را با نظریه‌ای که از قبل در ذهن دارد شروع نمی‌کند بلکه کار را در عرصه واقعیت آغاز می‌کند و می‌گذارد تا نظریه از درون داده‌هایی که گرد می‌آورد پدیدار شود. بنابراین، نظریه پدیدار شده به «واقعیت» نزدیک‌تر می‌شود و می‌تواند بصیرت‌افزا باشد و فهم را تقویت کند و راهنمای عمل باشد (اشتراوس و کوربین، ۱۳۹۰: ۴۶). در این مسیر، پس از شکل‌گیری خطوط کلی مصاحبه‌ها بر اساس مفاهیم و مقولات، به تدریج مصاحبه‌ها نظری‌تر و تخصصی‌تر شدند و بر جمع‌آوری اطلاعات خاص افزوده می‌شد. همچنین، فرآیند جمع‌آوری داده‌ها تا رسیدن به اشباع نظری بر اساس نمونه‌گیری نظری ادامه یافت.

فرآیند تجزیه و تحلیل داده‌ها از پیاده‌سازی و مکتوب کردن داده‌ها و در واقع، نسخه‌برداری دقیق و کلمه‌به‌کلمه، سازمان‌دهی و ذخیره آنان آغاز می‌شود و با اجرای مراحل دیگری اعم از سه فرآیند کدگذاری باز، محوری و گزینشی و مرتبط کردن مقوله‌ها به یکدیگر در جهت توسعه خط داستان و طرح مدل پارادایمی و نظریه مستقر در داده‌ها ادامه یافت. در این مسیر، با شروع اولین مرحله کدگذاری، یعنی کدگذاری باز، متن سطر به سطر و گاهی کلمه‌به‌کلمه تحلیل شد و سعی شد از کدهای اولیه و جنینی به عنوان واژگان‌گیری که در سخن مشارکت‌کنندگان بلافاصله نظر محقق را جلب می‌کنند استفاده شود تا معنای کنش‌ها و دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان حفظ شود. در مرحله بعد، مفاهیم به دست آمده به مقولات فرعی و مقولات اصلی تقلیل یافت. برچسب‌گذاری مقوله‌ها در این مسیر بر اساس شناسایی ویژگی‌ها و ابعاد مفاهیم تشکیل‌دهنده آنان صورت می‌گرفت. سپس، مقوله هسته در ارتباط با مقولات فرعی و اصلی دو مرحله قبل خود و بر اساس تکنیک مقایسه‌ای ثابت بر ساخت شده است.

در نهایت، از ارتباط تمامی مقوله‌ها به همدیگر و نتیجه آنان خط داستان کلی پژوهش استخراج می‌شود (ایمان، ۱۳۸۸). در این مسیر، مقوله‌های مختلف پژوهش به هم مرتبط شدند و در پرتو آن، مسیر کلی تجربه مشارکت‌کنندگان و جریان حاکم بر پژوهش ظهور یافت.

که در بخش یافته‌های پژوهش به‌همراه نقل‌قول‌هایی از مشارکت‌کنندگان روایت شده است. تشریح فرآیند و جریان گزاره‌ها در قالب خط داستان کمک می‌کند تا انسجام و نظم مفاهیم و مقولات کشف‌شده و ارتباط بین آنان به‌گونه‌ای منسجم‌تر و قابل‌فهم‌تر مطرح شود.

سپس محقق، برای نشان دادن ساختار و فرآیند پژوهش، مدل پارادایمی طراحی شد؛ بدین‌صورت که پدیده مرکزی پژوهش در مدل پارادایمی مشتعل بر شرایط علی (عواملی که مشخصاً به ظهور پدیده منجر می‌شوند)؛ شرایط زمینه‌ای (عواملی که راهبردهای مشارکت‌کنندگان در بستر آنان رخ می‌دهند و بیشتر شامل عوامل فردی و خاص در زندگی‌نامه مشارکت‌کننده هستند و به‌طور کلی پدیده پژوهش را تخفیف یا تشدید می‌کنند)؛ شرایط مداخله‌گر (شامل عوامل گسترده و کلانی که بیشتر به نیروهای کلان سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مربوط می‌شوند و از بیرون و از پیش موجودند و در تخفیف یا تشدید پدیده مرکزی و در انتخاب راهبردهای مشارکت‌کنندگان نقش دارند)؛ راهبردها (مشتعل بر کنش‌هایی که مشارکت‌کنندگان در واکنش به پدیده‌ای در متن و تحت‌تأثیر شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر دارند)؛ و پیامدهای منتج از راهبردها ترسیم می‌شود.

گردآوری از میان جوانان نو ورود ۱۸ تا ۱۹ سال دانشجوی دانشگاه یزد بوده و سعی شد که گردآوری مصاحبه‌ها در مکان‌های مختلف از جمله فضای سبز، محیط دانشگاه، خوابگاه دانشجویی و امثالهم گردآوری شود و مقدار زمان مصاحبه‌ها بین ۳۰ دقیقه تا ۱ ساعت و ۴۵ دقیقه متغیر بوده است. تفاوت زمانی مصاحبه‌ها گاهی ناشی از وقت پاسخ‌گو، میزان تجارب غنی او و میزان تمایل او برای بیان تجارب خود بود و از جانب دیگر، به‌سبب عدم شکل‌گیری مقولات و مفاهیم، سؤالات ابتدایی، محدود و کلی بوده است که رفته‌رفته، به تناسب شکل‌گیری مقولات فرعی و سپس اصلی، ابعاد و جزئیات بیشتری بررسی و سؤال می‌شد که صرف وقت بیشتری را برای پاسخ‌گویی می‌طلبد. دلیل انتخاب این بازه سنی به شرایط اجتماعی چند سال اخیر برمی‌گردد. در واقع، در تعیین ملاک‌های شمول سعی شد دانشجویانی مورد مصاحبه قرار بگیرند که در سال اول دانشجویی باشند. در جدول ۱ فهرست مشارکت‌کنندگان ارائه شده است. طبق مشخصات ذکر شده در جدول، تعداد مشارکت‌کنندگان در تحقیق ۲۰ نفر، شامل ۱۰ نفر پسر، ۹ نفر دختر و یک تراجنسیتی بوده است.

جدول ۱- فهرست مشارکت‌کنندگان

ردیف	اسم	سن	وضعیت	ردیف	اسم	سن	وضعیت
۱	ارشیا	۱۹	دانشجو	۱۱	میثم	۱۹	دانشجو
۲	علی	۱۸		۱۲	آرزو	۱۹	
۳	عباس	۱۹		۱۳	یلدا	۱۹	
۴	محمود	۱۹		۱۴	دانیال (تراجنسیتی)	۱۸	
۵	فرشته	۱۸		۱۵	آرمان	۱۹	
۶	مهراد	۱۹		۱۶	سوگند	۱۹	
۷	زهرا	۱۸		۱۷	مهدی	۱۹	
۸	مریم	۱۹		۱۸	ملیسا	۱۸	
۹	محدثه	۱۸		۱۹	بهمن	۱۹	
۱۰	میینا	۱۹		۲۰	بهنام	۱۸	

یافته‌های پژوهش

در این پژوهش، با ثبت دقیق داده‌ها و تحلیل موشکافانه گزاره‌ها، مفاهیم، مقوله‌های فرعی، مقوله‌های اصلی و مقوله هسته را استخراج کردیم. در نهایت، مقوله هسته از ۱۲ مقوله اصلی، ۲۷ مقوله فرعی و ۱۳۷ مفهوم برساخته شد که در جدول شماره ۲ نشان داده شده است. در ادامه یافته‌های پژوهش در قالب اجزای مدل پارادایمی شرح داده می‌شوند.

جدول ۲- مقوله‌های اصلی و هسته استخراج شده

مقوله هسته	مدل پارادایمی	مقولات اصلی
پروبلماتیک خودمداری	شرایط علی	پروبلماتیک چهره در بلوغ
		پروبلماتیک اعتمادبه‌نفس
	شرایط زمینه‌ای	بسترهای ارتباطی
	شرایط مداخله‌گر	تعیین بخشی نقش‌ها و انتظارات جنسیتی
	پدیده	خودمداری
	استراتژی	انفعال‌گرایی
		رفتارهای ریسکی
		ارتقای اعتمادبه‌نفس
		ریسک‌گریزی
	پیامد	پیوندیابی سست
		حل مسأله
		شبکه‌سازی ارتباطی

۱- شرایط علی

شرایط علی بیان‌کننده وقایع، حوادث و رویدادهایی بوده که به وقوع یا گسترش پدیده منجر می‌شوند و بر پدیده موردنظر تقدم دارند. در تحقیق پیش‌رو، شرایط علی ما شامل پروبلماتیک چهره در بلوغ و پروبلماتیک اعتمادبه‌نفس است. پروبلماتیک چهره در بلوغ تا حدودی بیان‌کننده مسائل و تغییرات فیزیکی و ظاهری در بلوغ است. مسأله‌مند شدن چهره در دوران بلوغ تا حدی نشان‌دهنده ناتوانی در سازگاری با شرایط جدید است. می‌توان گفت به دلیل تغییرات گسترده در افراد، قیافه، چهره و ظاهر آنان به یکباره دچار تغییر شده و کم‌کم چهره فرد حالتی بزرگسالانه به خود می‌گیرد و به دلیل تغییرات آنی، کنار آمدن با این وضعیت گاهی برای برخی از افراد زمان‌بر بوده و تا زمانی که به یک ظاهر ثابت دست یابند ادامه پیدا می‌کند. در این برهه از زندگی گاهی بسیاری از افراد مشغولیت‌های ذهنی زیادی با ظاهرشان پیدا می‌کنند که به صورت موقتی بوده و با افزایش سن و کسب شناخت و تجربه به مرور از بین می‌رود. به واسطه تغییرات ناگهانی بلوغ

روابط اجتماعی افراد تحت تأثیر قرار می‌گیرد؛ از جهتی ممکن است این تأثیرات به واسطه پذیرش در گروه، موجب تسهیل‌گری در روابط اجتماعی افراد گردد و از طرفی ممکن است نتیجه عکس داشته و روابط اجتماعی افراد با محدودیت روبه‌رو شود. به‌عنوان مثال، دانیال می‌گوید:

دماغه یهو خیلی گنده شد [خنده کنایی]؛ دیگه اصلاً نتونستم برم تو جمع [خنده کنایی]، دیگه بعدش عینک زدم روش که زیاد معلوم نشه ... ولی خب نه زیاد تأثیر خاصی نداشته ... شاید بیشتر از سمت جامعه پذیرفته شدم.

پروبلماتیک اعتمادبه‌نفس همان‌طور که در پروبلماتیک چهره گفته شد با توجه به شرایط و تغییراتی که افراد با آن روبه‌رو هستند مسأله اعتمادبه‌نفس برجسته می‌شود. اعتمادبه‌نفس، مسأله مهم و قابل اهمیت در زندگی افراد بوده و بسیاری از فعالیت‌ها و امور افراد وابسته به داشتن و یا عدم اعتمادبه‌نفس کافی است. به‌طور کلی می‌توان گفت اعتمادبه‌نفس به افراد کمک می‌کند که با چالش‌ها و فراز و نشیب‌های پیش‌روی خود در زندگی روبه‌رو شوند. می‌توان گفت اعتمادبه‌نفس متأثر از روابط، احساسات و فشارهایی است که از طرف دیگران بر فرد وارد می‌شود و به فرد کمک می‌کند اهداف خود را پیگیری کند و روابط بهتری برقرار کند.

همان‌طور که نقش خانواده به عنوان اولین کانونی که فرد در آن پرورش می‌یابد و تأثیر به‌سزایی در فرآیند جامعه‌پذیری دارد حائز اهمیت است؛ در همین راستا، تأثیر خانواده در پرورش اعتمادبه‌نفس فرزندان اهمیت پیدا می‌کند و می‌تواند از جهات مختلف موجبات کاهش یا افزایش اعتمادبه‌نفس در افراد شود. اگر خانواده حامی فرد بوده و در جهت پرورش اعتمادبه‌نفس فرد قدم بردارد موجبات ترقی و شکوفایی فرد در روابط را ایفا می‌کند. از طرفی دیگر، به‌طور کلی، اگر فرد در محیطی پرورش یابد که مدام با ملاک‌های زیبایی‌سنجیده شود و یا به‌خاطر تغییرات ظاهری تجربه تحقیر و تمسخر پیدا کند، دچار بحران اعتمادبه‌نفس شده و در ارتباطات خود دچار بحران می‌گردد. فرشته می‌گوید:

خیلی پایینه ... من احساس می‌کنم اینا همش برمی‌گرده به خانواده ... بالاخره اعتمادبنفس رو اولش باید خانواده بهت بدن و هیچ موقع این اتفاق برا من نیوفتاد ... من برعکس، خانوادم بعضی موقع‌ها حتی همون اعتماد بنفس کمی که داشتمم ازم می‌گرفتن با حرفاشون.

۲- شرایط زمینه‌ای

در کنار شرایط علی، ما شرایط زمینه‌ای را داریم که شرایط زمینه‌ای شامل ویژگی‌هایی است که خاص کنشگران و بستر و میدان پژوهش است (Creswell, 2007). شرایط زمینه‌ای ما شامل بسترهای ارتباطی است که می‌تواند شامل بسترهای گسترده از سطوح فردی تا اجتماعی باشد که خود در بردارنده مجموعه شرایطی است که مقدمه و شرایط یک ارتباط را تشکیل می‌دهند و ارتباط در آن شکل می‌گیرد؛ بسترهای ارتباطی متأثر از محرک‌های بیرونی مانند نگرش‌ها، نظرات، احساسات، علاقه‌مندی‌ها و بیزاری‌ها، تحصیلات، تجربیات و حتی سطح اعتمادبه‌نفس فرد است. چنین محرک‌های بیرونی در کنار هم روی شیوه ارتباط افراد با ایده‌ها و اطلاعات تأثیر می‌گذارند. به عبارت دیگر، بسترهای ارتباطی افراد یا تمایل به ارتباطات می‌تواند متأثر و نشأت گرفته از خوی جمع‌گرایی و تمایلات اجتماع‌گرایانه افراد باشد. مهدی می‌گوید:

خیلی خوبه [خنده کنایی]، رفیق شیرازی داری؟ شیراز با رو می‌شناسی؟ خب، شیراز یا به خصوصیتی دارن که یه غریبه رو که می‌بینن اندگاری چندساله می‌شناسنش، زودی باهاش ارتباط برقرار می‌کنن، توی خوابگاه خودمون که رفتم، کلاً دیگه همشون منو می‌شناختن

...

۳- شرایط مداخله‌گر

شرایط مداخله‌گر را می‌توان چنین تعریف کرد: شرایطی ساختاری است که بر راهبردها تأثیر می‌گذارد و به پدیده تعلق دارد و بیشتر بر نیروهای اجتماعی اقتصادی و سیاسی کلانی اشاره دارد که از بیرون از بستر بر بستر وارد می‌شود (کرسول، ۲۰۰۷). در این تحقیق، شرایط مداخله‌گر ما تحت عنوان تعیین‌بخشی نقش‌ها و انتظارات جنسیتی بوده است. به‌طور کلی زندگی امروز، زندگی در دنیای رسانه‌هاست که بر انتظارات نقش جنسیتی افراد تأثیر گذارند. همان‌طور که پیداست جنسیت به‌طور ویژه به افراد، روابط اجتماعی و نهادها شکل و معنا می‌دهد. افراد از دریچه جنسیت دنیای اجتماعی را تجربه می‌کنند. پذیرش انتظارات و کلیشه‌های جنسیتی به نوبه خود می‌تواند سبب شود که افراد نتوانند به آن شایستگی که لایق آن هستند دست یابند. تبعیض جنسیتی از سالیان گذشته در همه جوامع مختلف وجود داشته است و گاهی این تبعیض‌ها شکلی مشابه انتظارات جنسیتی به خود می‌گیرند و در قوانین یا برخورد خانواده‌ها به‌طور واضح خود را نشان داده و برخی خانواده‌ها در برخورد با فرزندانشان تفاوت قائل می‌شوند. مسأله جایی ایجاد می‌شود که خانواده‌ها بدون توجه به علاقه و ویژگی‌های اصلی فرزندان، تنها بر اساس جنسیتشان انتظاراتی داشته و تنها برخی فعالیت‌ها را از آنان بپذیرند. خیلی از خانواده‌ها به خاطر نگرانی‌ها یا باورهای خود، در فعالیت‌ها و تفریحات به پسران آزادی بیشتری می‌دهند. یلدا می‌گوید:

مجبورم کردن خانومانه‌تر رفتار کنم ... هی می‌گفتن تو دیگه بزرگ شدی، نباید این کارو بکنی و اینا... و دیدن حریفم نمی‌شن و من هرکاری دوست دارم می‌کنم دیگه گفتن فقط کمتر باش و تو یه مکانایی رعایت کن.

۴- استراتژی‌ها

استراتژی‌ها در واقع راهبردهایی هستند که در پاسخ به پدیده ارائه می‌شوند. یکی از استراتژی‌های تحقیق انفعال‌گرایی بوده که همان پاسخ دادن به شیوه‌ای منفعلانه و غیرابرازی است، و به معنای همسوسدن با خواسته دیگران بوده و این شیوه رفتاری می‌تواند حقوق و اعتمادبنفس فرد را کاهش دهد و فرد را تبدیل به کنشگر و سوزهای بی تفاوت کند. اغلب مشارکت‌کنندگان از پاسخ‌های منفعلانه استفاده می‌کنند؛ چراکه یا نیازمند تأیید دیگران بودند و یا این که اعتماد به نفس و جسارت لازم، موقعیت مناسب و ... در بروز باورهای خود را نداشتند. به همین دلیل معمولاً با سکوت‌گزینی، بر نظریات و عقاید دیگران مهر تأیید می‌زنند. آنان اهل ابراز عقیده نیستند، خود را دست‌کم می‌گیرند، اعتماد به نفس پایینی دارند و برای به دست آوردن دل دیگران، خود را به رنج و زحمت می‌اندازند و دائم، افکار، احساسات و حقوقشان به راحتی از سوی دیگران نادیده گرفته می‌شود. مریم می‌گوید:

خیلی، من خیلی رودروایی دارم با همه، و خودمم اذیت بشم هیچی نمی‌گم به بقیه و همش در سکوت کامل به سر می‌برم و می‌گم می‌گذره و هیچی نمی‌گم.

استراتژی دیگر که می‌توان نام برد، رفتارهای ریسکی است. در واقع، ریسک همان خطر یا خطرات احتمالی را در برمی‌گیرد که حتی ممکن است در آینده رخ دهد و مربوط به زمان حال نباشد. به عبارت دیگر شامل رفتارهایی می‌شود که به جای سنجش جوانب، منطق و استدلال، بر اساس یک انگیزه لحظه‌ای شکل می‌گیرد. به‌طور کلی می‌توان گفت رفتارهای ریسکی یک میل شدید آنی است که در پاسخ

به یک محرک ذهنی یا عوامل انگیرشی خارجی در فرد شکل می‌گیرد و یا به‌طور عامیانه‌تر فرمانبرداری کورکورانه از محرک‌های درونی بدون توجه به وجدان، پذیرش دیگران، قوانین و قیدوبندهای شخصی که فرد برای خود دارد. یلدا می‌گوید:

نه ... نه ... کار پرخطر زیاد انجام دادم، ولی نه برای جلب توجه و کسب نظر بقیه؛ براتفریح بوده.

از دیگر استراتژی‌های تحقیق پیش‌رو ارتقای اعتمادبه‌نفس بوده است که این اعتماد به نفس از نخستین لازمه‌های موفقیت است، اشخاص موفق اغلب اعتماد به نفس بالایی دارند. افراد با اعتماد به نفس بالا به آسانی به بیان خواسته‌های خویش می‌پردازند و در کارهای خویش و ارتباطات خود موفق‌تر هستند. اغلب اشخاص برای رسیدن به موقعیت دلخواه خویش و موفقیت تنها به قدری اعتماد به نفس احتیاج دارند. هرچه مقدار اعتمادبه‌نفس افراد بیشتر باشد به همان نسبت باعث تسهیل در برقراری ارتباط و حضور در اجتماع برای افراد می‌گردد. یلدا می‌گوید:

تا حدودی / اعتمادبه‌نفس / ندارم ... تظاهر می‌کنم دارم، ولی در واقع، خودم می‌دونم ندارم ... تظاهر می‌کنم؛ چون این که اعتماد به‌نفس نداشته باشم اذیت می‌کنه، ولی سعی می‌کنم داشته باشم ... از این که بی‌دست و پا باشم بدم میاد.

استراتژی آخر تحقیق پیش‌رو ریسک‌گریزی است که می‌توان آن را نقطه مقابل رفتارهای ریسکی دانست. به‌طور کلی واژه ریسک‌گریزی میل درونی و ذاتی انسان برای فرار یا عدم شرکت در موقعیت‌های مخاطره‌آمیز است. به عبارت دیگر، ریسک‌گریزی افراد می‌تواند متأثر از شرایط درونی و بیرونی فرد باشد و فرد بنا بر شرایطی از جمله ترس، نداشتن اعتمادبه‌نفس، مهم‌بودن خود و یا بر حسب ویژگی و خصایص اخلاقی خانوادگی و اجتماعی از موقعیت‌های ریسکی دوری گزیند. زهرا می‌گوید:

نه اصلاً، کار خطرناکی نخواستم بکنم در این رابطه، ترس درونی که داشتم مانع از انجام کار پرخطر شده.

۵- پیامدها

نتیجه و ثمره راهبردهایی که کنشگران آنان را در مواجهه با شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر و پدیده مرکزی اتخاذ می‌کنند را می‌توان همان پیامد دانست. از جمله پیامدهای تحقیق پیش‌رو می‌توان به پیوندیابی سست اشاره داشت. گاهی فرد توانایی و قدرت شبکه‌سازی و ارتباط‌گیری را ندارد که این می‌تواند متأثر از محدودیت‌های خانوادگی در ارتباط‌گیری باشد. این محدودیت‌های خانوادگی می‌توانند نشأت گرفته از محدودیت‌ها مبتنی بر جنسیت باشد و یا به دلیل عدم تطابق ارزشی با دیگران تمایل به برقراری ارتباط نداشته باشد و گاهی در پی یافتن ارتباطاتی باشد که دربردارنده مطابقت‌های رفتاری ارزشی است. چینی عواملی موجب عدم ارتباط‌گیری فرد و یا برقراری پیوندهای سست و گسسته می‌شود و موجب دوری فرد از تعامل و ارتباطات اجتماعی با دیگران می‌شود. میثم می‌گوید:

بله بله خوبه، بخاطر این که سعی می‌کنم توی ارتباط با دیگری از بقیه کینه به دل نگیرم و شاید بتونم ارتباط بگیرم؛ ولی نگاه‌داشتنش رو مشکل دارم. به هر شکل، آدمیم که، زود ناراحت می‌شم و به هر شکل شاید نتونم نگه دارم، چون آدم‌ها دارن بازی می‌کنن دیگه، چیزی که توی برخورد اوله نقشه دیگه و بعد یه مدت که خود واقعی‌واقعی‌شون رو نشون می‌دن دیگه نمی‌شه ادامه داد.

از دیگر پیامدها می‌توان به حل مسأله اشاره کرد. به‌طور کلی می‌توان گفت حل مسأله در هسته اصلی تکامل انسان قرار داشته و روشی برای درک بهتر مسائل در محیط پیرامون است. حل مسأله شامل، قدرت، توانایی، مهارت و به‌طور کلی روش‌هایی برای مقابله و

مواجهه شدن با مسائل پیش‌رو است. انسان از مراحل ابتدایی زندگی خود می‌آموزد با مشکلات هرچند ساده مواجه شده و آن را حل کند و به مرور در جریان زندگی مهارت‌های حل مسأله خود را تصحیح و گسترش می‌دهد. توانایی حل مسأله ما را قادر ساخته تا به شناسایی فرصت‌های موجود در محیط پرداخته و از آن بهره برداری کنیم و توانایی کنترل بر محیط را کسب کنیم. از طریق آموزش، تمرین و یادگیری می‌توان توانایی حل مؤثرتر مشکلات را به دست آورد و با گذشت زمان پیچیدگی‌ها و دشواری‌ها را برطرف کرد. مه‌راد می‌گوید:

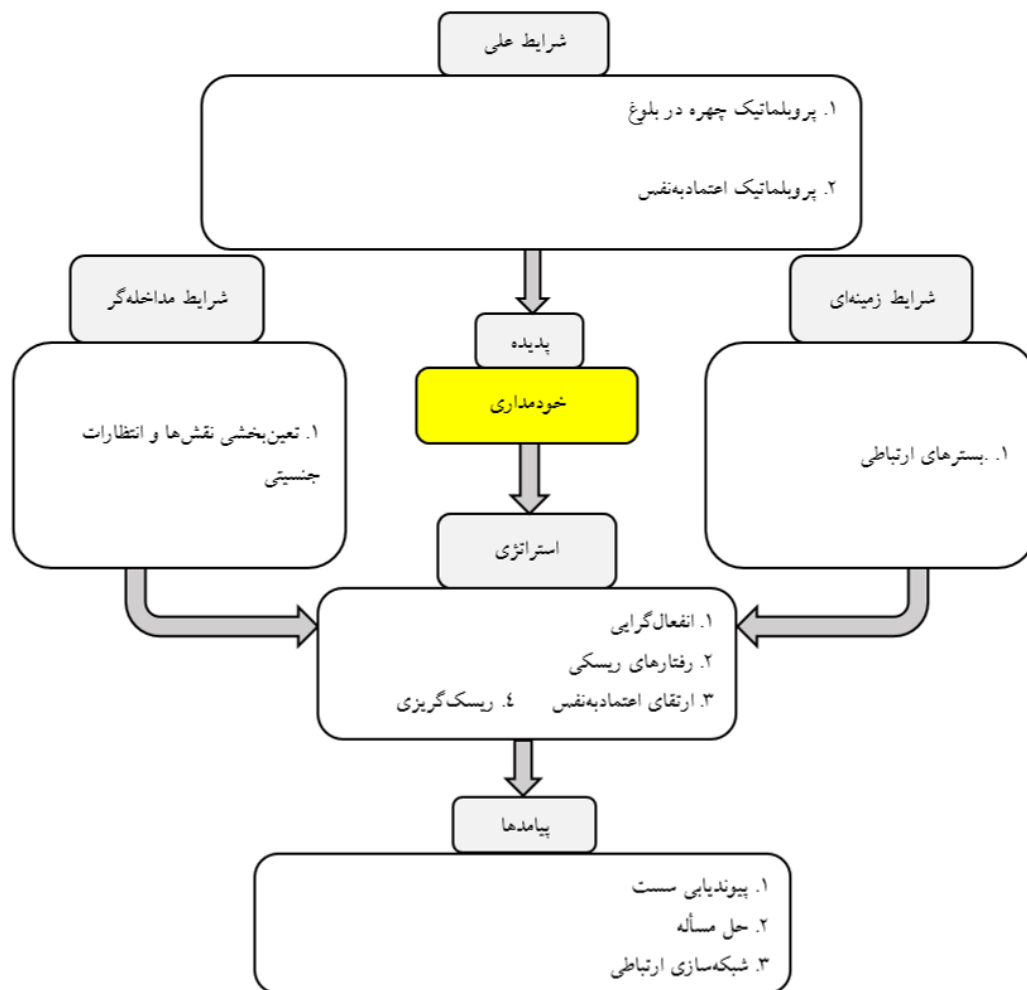
بعضی مواقع آره ... مثلاً حرفمون رو یجا نمی‌خونن و دیگه برا هرکسی یجا اتفاق افتاده که حرفتو نمی‌خونن و حرف تو یه چیزه، حرف اون یه چیز دیگه، ولی خب، تهنش کنار میایم با همدیگه ... دیگه انقدر جر و بحث می‌شه که یا ما کوتاه میایم یا اون دیگه.

شبکه‌سازی ارتباطی که همان توانایی برقراری ارتباط مناسب و مفید با دیگران است. به عبارت دیگر، منعکس‌کننده قدرت و توانایی فرد در ایجاد روابط و گروه‌های دوستی است که متأثر از عوامل زیادی از جمله بلوغ اجتماعی است. چون مشارکت‌کنندگان پژوهش به تازگی دوران بلوغ را طی کرده‌اند، این فرآیند در شبکه‌سازی آنان اثرگذار بوده است. به‌طور کلی بلوغ اجتماعی می‌تواند دامنه روابط اجتماعی افراد را تحت تأثیر قرار دهد؛ از آنجا که دوران بلوغ با تغییرات روحی روانی و فیزیولوژیکی فراوانی برای فرد همراه است، این تغییرات گاهی بر روی دامنه روابط افراد هم به جهت مثبت و هم به جهت منفی تأثیرگذار است. در واقع، ممکن است به واسطه تغییرات ظاهری و جسمانی که در مرحله بلوغ جسمانی رخ داده، سطح پذیرش افراد در گروه‌های مرجع افزایش یابد و یا به نحوی دیگر به واسطه این چنین تغییراتی، فرد از حضور در گروه‌های دوستی و به‌طور کلی اجتماع دوری کرده و منجر به کاهش روابط دوستی بین افراد شود. آرمان می‌گوید:

مثلاً من توی راهنمایی جوری بود که بلوغ زودرس داشتم و باعث می‌شد که توی یه دورانی طرز فکر و رفتارم نسبت به هم‌سنای خودم بالاتر باشه و این باعث می‌شد که آدم جذاب‌تری باشم و روابط اجتماعی‌م بهتر باشه و بیشتر بتونم دوست پیدا کنم و طبیعتاً چند سال بعد که گذشت من بایه سری افراد دیگه‌ای زیاد ارتباط داشتم.

۶- مدل پارادایمی

مدل پارادایمی به‌طور کلی جریان فرآیندها و فعالیت‌هایی را نشان می‌دهد که در بستر مطالعه اتفاق افتاده است. چنین مدلی، از پنج قسمت شامل شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، استراتژی‌ها و پیامدها تشکیل شده است. در مرکز مدل پدیده مرکزی واقع شده که فعالیت‌ها حول محور آن شکل گرفته‌اند. طبق جریان فرآیندها و فعالیت‌هایی که در بستر این تحقیق اتفاق افتاده، پدیده مرکزی «خودمداری» است. به عبارت دیگر، بر اساس تحلیل داده‌های پژوهش شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر پدید آورنده خودمداری در میان جوانان هستند.



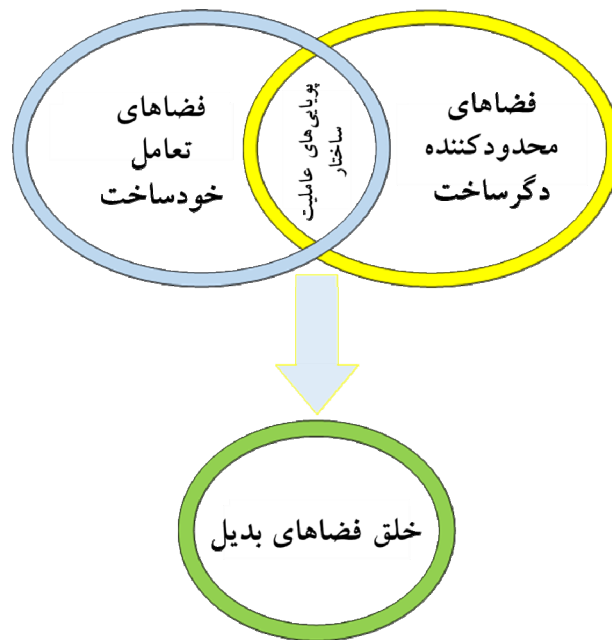
شکل ۱- مدل پارادایمی

بحث و نتیجه‌گیری

شبکه‌های مجازی در سال‌های اخیر رشد گسترده‌ای داشته است و زندگی شهروندان تا حد زیادی به این شبکه‌ها پیوند خورده است. این پیوند خوردگی در چند سال اخیر به واسطه پاندمی کووید ۱۹ پررنگ‌تر شده است. در این میان، زندگی نوجوانان و جوانان به‌طور ویژه شبکه‌ای شده است. هرچند آنان در شبکه‌های اجتماعی در هم‌گره می‌خورند اما در دنیای واقعی به‌نظر می‌رسد واگرایی و خودمداری از خود نشان می‌دهند. پژوهش حاضر سعی داشت این وضعیت را به‌صورت علمی در میان آن دسته از جوانانی که تازه وارد دوره جوانی شده‌اند و همچنین دانشجوی سال اول بودند، مطالعه کند.

بدین منظور با مفهوم‌پردازی جوانان آستانه‌ای سعی شد با بررسی پیشینه‌ها و نظریه‌های مرتبط حساسیت نظری پژوهش تقویت شود و بر همین اساس پروتکل مصاحبه طراحی شود. بر اساس روش نظریه زمینه‌ای سیستماتیک، مصاحبه‌هایی با جوانان ۱۸ تا ۱۹ ساله انجام شد و داده‌ها ابتدا در قالب کدگذاری باز تبدیل به مقولات فرعی و اصلی شدند. سپس در مرحله کدگذاری محوری، مقولات

مستخرج در قالب مدل پارادایمی ارائه شدند. در مرحله کدگذاری گزینشی نیز سعی شد یافته‌های اصلی پژوهش در قالب نظریه داده‌بنیاد در مدل شماره یک ارائه شود. در واقع، داده‌های موجود بعد از کدگذاری باز و محوری، در مرحله کدگذاری گزینشی در جامع‌ترین و انتزاعی‌ترین شکل ممکن برساخت شدند. در این مسیر سعی شد جریان اصلی موجود در پژوهش به شکلی انتزاعی و خلاقانه ارائه شود که در آن داده‌ها در انتزاعی‌ترین شکل ممکن ارائه شوند.



شکل ۲- نظریه تجربی پژوهش

آنچه از مدل مشخص است، جوان آستانه‌ای، در مرکز کشاکش پویایی‌های عاملیت ساختار قرار دارد. از یک سو، آنان در میدان فضاهای تعامل خودساخت خود قرار دارند که فارغ از جریان اصلی قدرت و نظم گفتمانی عمل می‌کند. در این میدان جوانان سعی می‌کنند فضاهای تعاملی خود را بسازند، ریسک کنند، بسترها و شبکه‌های ارتباطی خود را داشته باشند. به‌طور کلی، این میدان جایی است که جوان خود را برساخت می‌کند. این برساخت هم معمولاً در زیست‌شبانه، پاتوق‌نشینی، تعاملات همسالان محور و ... رخ می‌دهد. در نتیجه به شدت واگرا و خارج از نظارت قدرت‌های رسمی است. علی‌رغم این تلاش‌ها، نیروهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی کلان هستند که سعی می‌کنند این فضاهای تعاملی آنان را محدود کنند یا تحت نظارت قرار دهند که در قالب میدان فضاهای محدودکننده دگرساخت مشخص شده است.

این میدان اشاره به گفتمان‌های مسلط در جامعه دارد که در فرآیندهای مختلفی سعی می‌کنند زندگی و زمانه این جوانان را بهنجار سازد و الگوهای خاصی را برای آنان در حوزه‌های مختلف ترسیم و هنجاریابی می‌کند. برای مثال، در حوزه مقررات قانونی، الگوهای

پوشش و سبک زندگی، گفتار مناسب در خانواده، نوع تفریح و ... به‌طور مداوم فشارهایی از جانب جامعه به این جوانان وارد می‌شود. این فشارها در نهایت یک هدف را بیشتر دنبال نمی‌کنند و آن بهنجارسازی و نظارت بر زندگی آنان است. آنان در واقع در میان برهمکنش این هر دو میدان به کنشگری می‌پردازند و کشاکش مستمر و مداومی در تمامی کنش‌های آنان وجود دارد. این کشاکش البته در نهایت منجر به خلق فضاهای بدیل می‌شود که تا حد زیادی فارغ از بستر نظارت رسمی و نیروهای کلان اجتماعی است. این فضاهای بدیل البته خودمدارانه و دارای منطقی خودمختار است. درواقع، به نظر می‌رسد آنچه در واقعیت رخ می‌دهد و در آینده رخداد آن شتابان‌تر می‌شود فضاهای بدیل و تحولات معرفت‌شناختی خواهد بود. به‌بیان دیگر، شالوده‌شکنی‌های آنان وضعیت جدیدی را به وجود خواهد آورد که خود یک میدان مستقل و قدرتمند خواهد بود. اما ذکر این نکته نیز لازم است که به نظر می‌رسد این میدان مستقل پر قدرت خودمدارانه است و سوبه‌های قوی خودمختارانه دارد که خود پیامدهای خاص خود را خواهد داشت.

تشکر و قدردانی

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول مقاله در رشته پژوهش علوم اجتماعی است که در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه یزد به انجام رسیده است. نویسندگان مقاله از نظرات اصلاحی داوران پایان‌نامه، داوران ناشناس مقاله و همچنین مشارکت‌کنندگان پژوهش تشکر می‌کنند.

منابع

آذین، احمد و پیرمحمدی، کبرا. (۱۳۸۷). بررسی نقش رسانه‌های نوین با تأکید بر ماهواره و اینترنت بر هویت فرهنگی دانشجویان (مطالعه موردی: دانشجویان استان چهارمحال و بختیاری)، *پژوهش‌نامه علوم اجتماعی آزاد گرمسار*، ۲(۲۲)، ۱۵۷-۱۳۹.

<http://ensani.ir/fa/article/229719>

آزادارمکی، تقی. (۱۳۸۳). *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، تهران: انتشارات سروش.

استراوس، آنسلم و جولیت، کربین. (۱۳۹۶). *مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای*، (ترجمه: ابراهیم افشاری)، تهران: نشر نی.

ایمان، محمدتقی. (۱۳۸۸). *مبانی پارادایمی روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

پیران، پرویز (۱۳۸۳). جهانی‌شدن، سیر تاریخی و ابعاد آن، *مجلس و راهبرد*، ۴۳، ۴۳-۱۱. <https://www.sid.ir/paper/463341/fa>

ترنر، جانانان. (۱۳۸۴). *پیدایش نظریه جامعه‌شناختی*، (ترجمه: عبدالعلی لهسایی‌زاده)، شیراز: انتشارات نوید.

توسلی، غلامعباس. (۱۳۸۴). *نظریه‌های جامعه‌شناسی*. تهران: انتشارات سمت.

فولادیان، محید و رضایی بحرآباد، حسن. (۱۳۹۷). تحلیل جامعه‌شناختی خودمداری ایرانیان بر اساس داده‌های مطالعه تجربی در شهر تهران،

مطالعات فرهنگ-ارتباطات، ۱۹(۴۴)، ۲۶-۱. <https://doi.org/10.22083/jccs.2018.109170.2308>

حاجبانی، ابراهیم (۱۳۸۷). نسبت هویت ملی با هویت قومی در میان اقوام ایرانی، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۹(۳ و ۴)، ۱۶۴-۱۴۳.

http://www.jsi-isa.ir/article_21815.html

- حسینی فتح‌آبادی، هانیه‌سادات، روحانی، علی، و نادری نوبندگان، زهرا. (۱۴۰۱). بر ساخت اجتماعی خودزنی در بستر تغییرات نظام آموزشی: مطالعه‌ای کیفی در بین دانش‌آموزان دختر یزدی. *تداوم و تغییر اجتماعی*، ۱(۲)، ۳۳۰-۳۱۱. <https://doi.org/10.22034/jssc.2022.2712>
- حیدری، آرمان و رضانی باصری، عباس (۱۳۹۴). بررسی رابطه استفاده از اینترنت، برنامه‌های شبکه‌های ماهواره‌ای و هویت دینی دانش‌آموزان، *مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی*، ۱(۱)، ۶۰-۳۹. <https://qaiie.ir/article-1-31-fa.html>
- خواججه‌نوری، بیژن، روحانی، علی و هاشمی، سمیه (۱۳۹۰). رابطه سبک زندگی و تصور بدن، مطالعه موردی زنان شهر شیراز، *تحقیقات فرهنگی*، ۱(۱)، ۱۰۳-۷۹. <https://doi.org/10.7508/ijcr.2011.13.004>
- ذکایی، سعید. (۱۳۸۳). جوانان و فراغت مجازی، *مطالعات جوانان*، ۲(۶)، ۴۵-۲۶. <https://www.sid.ir/paper/435165/fa>
- شهابی، سیامک و ربانی، رسول. (۱۳۸۸). تحلیلی بر ارزش‌های اجتماعی جوانان مناطق روستایی و عوامل مؤثر بر آن، *مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای*، ۱(۱)، ۷۷-۱۰۶. https://urs.ui.ac.ir/article_19937.html
- طالبان، محمدرضا، مبشری، محمد و مهرآیین، مصطفی (۱۳۸۹). بررسی روند دگرگونی ارزشی در ایران (۱۳۵۳-۱۳۸۸)، *جامعه‌شناسی تاریخی*، ۳(۳)، ۶۴-۲۳. <http://jhs.modares.ac.ir/article-25-8792-fa.html>
- عنایت، حلیمه و موحد، مجید (۱۳۸۳). زنان و تحولات ساختاری خانواده در عصر جهانی شدن، *پژوهش زنان*، ۲(۲)، ۱۵۳-۱۶۶. https://jwdp.ut.ac.ir/article_13268.html
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰). *عصر اطلاعات، اقتصاد، جامعه و فرهنگ؛ قدرت هویت*، (ترجمه حسن چاوشیان)، جلد دوم، تهران: طرح نو.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰). *عصر اطلاعات، اقتصاد، جامعه و فرهنگ؛ ظهور جامعه شبکه‌ای*، (ترجمه احمد علیقلیان و افشین خاکباز)، جلد اول، تهران: طرح نو.
- کوزر، لوئیس (۱۳۸۳). *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*، (ترجمه محسن ثلاثی)، تهران: انتشارات علمی.
- کوزر، لوئیس و روزنبرگ، برنارد (۱۳۸۵). *نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناسی*، (ترجمه فرهنگ ارشاد)، تهران: نشر نی.
- کوششی، مجید و قربانی، زهرا (۱۳۹۱). مطالعه جمعیت‌شناختی تاثیر جوان همسری بر ازدواج دختران، *مطالعات اجتماعی-روانشناختی زنان*، ۱۰(۲)، ۱۰۹-۱۳۴. https://jwsps.alzahra.ac.ir/article_1428.html
- گودرزی، سعید (۱۳۸۹). تغییر ارزش‌های جوانان و عوامل مرتبط بر آن، *رفاه اجتماعی*، ۱۰(۳۹)، ۴۴۴-۴۲۱. <https://refahj.uswr.ac.ir/article-1-350-fa.html>
- گیدنز، آنتونی (۱۴۰۰). *جامعه‌شناسی*، (ترجمه حسن چاوشیان)، تهران: نشر نی.

- محسنیان‌راد، مهدی (۱۳۸۷). ارزش‌های مندرج در مطبوعات: مقایسه انقلاب مشروطیت و انقلاب اسلامی، *علوم اجتماعی*، ۱۵ (۴۳ و ۴۲)، ۱۸۷-۱۵۳. https://qjss.atu.ac.ir/article_5362.html
- محسنیان‌راد، مهدی (۱۳۸۷). آسیب‌شناسی مخاطب‌پنداری، در حوزه رسانه‌ها، جهانی شدن و عصر پس از دهکده جهانی، *تحقیقات فرهنگی ایران*، ۱ (۳)، ۷۹-۱۱۳. https://www.jicr.ir/article_37.html
- مرشدی، ابوالفضل. (۱۴۰۱). جامعه ایرانی در منازعه سنت و تجدد: گسست در عین تداوم. *تداوم و تغییر اجتماعی*، ۱ (۲)، ۲۱۷-۲۲۸. <https://doi.org/10.22034/jssc.2022.2795>
- معیدفر، سعید و صیوحی خسروشاهی، حبیب (۱۳۸۹). بررسی میزان فردگرایی فرزندان در خانواده، *پژوهش‌های جامعه‌شناختی*، ۴ (۴)، ۱۱۰-۹۳. <https://www.magiran.com/paper/984581>
- نصرتی‌نژاد، فرهاد (۱۳۹۶). مدرنیسم ایرانی و عقلانیت خودمدار: چارچوبی برای تبیین آسیب‌های اجتماعی، *مسائل اجتماعی ایران*، ۸ (۲)، ۱۹۳-۱۸۵. <https://jspi.khu.ac.ir/article-1-2813-fa.html>
- Besley, J. C. (2008). Media use and human values. *Journalism & Mass Communication Quarterly*, 85(2), 311-330. <https://doi.org/10.1177/107769900808500206>
- Cooley, C. H. (1918). *Human Nature and the Social Order: The Interplay of Man's Behaviors, Character and Personal Traits with His Society*. Null edition.
- Cote, J. E. & Levine, C. (1988). A critical analysis of the ego identity status paradigm. *Developmental Review*, 8(2), 147-184. [https://doi.org/10.1016/0273-2297\(88\)90002-0](https://doi.org/10.1016/0273-2297(88)90002-0)
- Francis, B., Dittrich, R., Hatzinger, R. & Penn, R. (2002). Analyzing Partial Ranks by Using Smoothed Paired Comparison Methods: An Investigation of Value Orientation in Europe, *Journal of the Royal Statistical Society*, 51(3), 319-336. <https://doi.org/10.1111/1467-9876.00271>
- Giacalone, R. A., & Jurkiewicz, C. L. (2004). The Interaction of Materialist and Postmaterialist Values in Predicting Dimensions of Personal and Social Identity, *Human Relations*, 57(11), 1379-1405. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1177/0018726704049414>
- Han-Yin Chang, J. (2010). "The Values of Singapore's Youth and Their Parents: A Case Challenging the Adequacy of Inglehart's Interpretation of Top Value Priorities Derived from World Values Surveys", *Journal of Sociology*, 46(2), 149-168. <https://doi.org/10.1177/1440783309351772>
- James, W. (1920). *The Letters of William James* (Vol. 1). Little, Brown.
- Kitayama, S., Duffy, S., & Uchida, Y. (2007). "Self as Cultural Mode of Being" in Shinobu Kitayama and Dov Cohen (eds.), *Handbook of Cultural Psychology*, The Guilford Press.

- Kroger, J., & Marcia, J. E. (2011). The Identity Statuses: Origins, Meanings, and Interpretations. In Seth J. Schwartz, Koen Luyckx, Vivian L. Vignoles (eds.) *Handbook of Identity Theory and Research*, London: Springer.
- Marcia, J. E. (1966). Development and validation of ego identity status, *Journal of Personality and Social Psychology*, 3(5), 551-558. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/h0023281>
- Markus, H. R., & Kitayama, S. (1991). "Culture and the Self: Implications for Cognition, Emotion, and Motivation", *Psychological Review*, 98(2), 224-253. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/0033-295X.98.2.224>
- McLuhan, M., & Fiore, Q. (2001). *War and peace in the global village*. Gingko Press, Incorporated.
- Mead, G. H. (1915). *Mind, Self and Society*. University of Chicago Press.
- Prevos, P. (2004). *Cultural Identity, Function of Social Science*, Sydney: Macquarie University.
- Stryker, S., Owens, T. J., & White, R. W. (2000). *Self, Identity, and Social Movements* (Vol. 13). University of Minnesota Press.
- Theocharis, Y. (2011). "Young People, Political Participation and Online Postmaterialism in Greece", *New Media & Society*, 13(2), 203-223. <https://doi.org/10.1177/1461444810370733>
- Turner, J. H. (2003). *The Emergence of Sociological Theory*, New York: Wads Worth.